



په اروپا کې د مېشته افغانانو د ټولنو فدراسيون  
فدراسيون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

۲۰۱۳/۰۳/۱۶

فارو

## قيام مردمی ۲۴ حوت هرات ازديد بازماندگان شهدا

قيام پرشکوه ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات عليه رژيم تحت الحمايه شوروی و مظالم حزب ديموکراتیک خلق افغانستان و ترور دولتی وحشتناک تظاهر کنندگان توسط رژيم تحت رهبری حزب ديموکراتیک خلق، حادثه فراموش ناشدنی در تاريخ افغانستان است. قيامی که بتاريخ ۲۲ حوت از ولسوالی ها شروع شد الی ۲۴ حوت تدریجاً تمام شهر را فرا گرفت. انگیزه آن قيام اعتراض مردم به موجودیت یک رژيم جبار و تحت الحمايه روس ها بود. قرار اظهارات شهود عینی، این قيام کاملاً خودجوش، فاقد رهبری واقعی و فاقد هرگونه پشتیبانی خارجی بود. کشتار بربر منشانه تظاهر کنندگان به فرمان منشی کمیته ولایتي حزب و شخص والی هرات توسط افسران حزبی اردو، پولیس و اعضای ملکی حزب ديموکراتیک خلق باعث تشدید خشم پرغرور مردم می شد. یک شاهد عینی چشم دید خود از روز ۲۴ حوت را چنین گزارش میدهد: ((خونهایی که توسط حکومتی ها ریختانده شد خشم مردم را برانگیخت. چنان حالت را من هرگز ندیده بودم. مردم هرات بدون ترس از رگبار توپ و تفنگ دشمن پیش می رفتند و با دست خالی تانکهای دشمن را تسخیر میکردند. به تاریخ ۲۶ حوت افسران غیر حزبی فرقه ۱۷ نیز به جبهه مردم پیوستند و قيام کنندگان را در اشغال فرقه کمک نمودند. به شهادت محمد صدیق فرهنگ این افسران عبارت بودند از علاالدین خان، سردار خان، جگرن عبدالعزیز، جگتورن نوراحمد، دگرمن محمد انور نصرتی، جگتورن علاالدین، جگرن شایسته، تورن نجیب الله، جگرن سید اسدالله، جگرن شمشیر خان، ظابط خلیل احمد، جگرن غلام رسول بلوچ، ظابط سلطان احمد، شیرین گل، بصیر خان وتورن اسماعیل (فعلاً وزیر آب و برق)". بنابراین نقش افسران اردو درین قيام ۴ روز بعد از شروع قيام مطرح شد.

پیوستن افسران فرقه ۱۷ به قيام زنگ خطر بزرگی بود برای روس ها و حکومت تحت الحمايه شان. طبق نوشته آقای فرزان (رجوع شود به تاریخ ثقافت جهاد) درین موقع رسول سرده مسؤل امور سیاسی و همه کاره فرقه فرار نموده و خود را به شیندند رسانیده بود. سید مکرم قوماندان حزبی فرقه ۱۷ با چند مشاور روسی قرارگاه را ترک نموده به قصر والی پنهان شدند و از آنجا همه به شمول والی هرات و جنرال واسیلویچ مشاور روسی اش از طریق میدان هوایی هرات به میدان هوایی نظامی شیندند فرار کردند. قرار اظهارات شهود از نظیف الله نهضت و عبدالحی یتیم (اعضای گروپ حفیظ الله امین) بحیث والی و منشی کمیته ولایتي آزمان هرات نام برده شده است.

دو روز بعد قوای دولت تحت الحمايه با بیرقهای سبز و لباس ملکی در شاهراه قندهار- هرات ظاهر شدند. قيام کنندگان به این تصور افتادند که همانند فرقه ۱۷، قوای مستقر در ولایات همجوار نیز به کمک مردم هرات آمده اند. غافل از اینکه حزب "ديموکراتیک خلق" افغانستان به هدف قتل عام دهاقین و شهریان هرات قوای تازه نفس فرستاده و با این حيله می خواهد مدافعین هرات را بفریبد و به شهر راه یابد. جنبش خود جوش مردمی که فاقد رهبری آگاه و همگانی بود، فریب این حيله را خورد. گروه اوپراتیفي زون شمالغرب از شیندند و قطعه کوماندو جزء این قوا بودند. در نوشته های ذیربط از افراد ذیل بحیث قوماندانان این قوای تهاجمی نام برده شده است: شهنواز تنی و انخیرگل. قوای دولتی به مجرد اشغال مواضع سترتیژیک در شهر، مراکز تجمع مدافعین هرات، از جمله فرقه ۱۷ را زیر آتش گرفتند. قوای هوایی حکومتی و روسها از میدان هوایی شیندند قوای دولت تحت الحمايه را در کشتار مجدد قيام کنندگان هرات هفته ها همراهی نمودند. بسیاری از اجساد دولتی ها در گورهای دسته جمعی بین تخت سفر و باغ ملت مدفون شده اند. مردم هرات این منطقه را مکان شهدای گمنام نامیدند. پروژه عدالت افغانستان در گزارش تحقیقی "تیرگی های سرنوشت ساز" در مورد اقدامات بعدی حکومت تحت رهبری حزب ديموکراتیک خلق چنین مینویسد: ((زمانی که دولت کنترل شهر را دوباره گرفت، دستگیری های وسیعی را انجام داد. بسیاری از دستگیر شدگان مفقود شدند و احتمالاً بدون محکمه به قتل رسیده اند. طبق گزارش ارماکورا، خبرنگار خاص ملل

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنېنت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولئ

متحد: اصل معلوماتی که به خبرنگار خاص داده شده بیان می دارد که در حدود ۱۰۰۰ نفر، اگر بیشتر نباشد، در جریان این دوره تا آپریل ۱۹۷۹ بعد از قیام شهر هرات دستگیر شده اند. در برخی موارد دستگیری های زندانی های سیاسی با توقیف همسران شان و فرزندان شان همراه بود. دامنه اشخاص دستگیر شده توسعه یافته از اعضای گروه های بنیاد گرای مذهبی تا اعضای گروه های چپ و همچنین اعضای دولتی، متعلمین، تجار، دیپلمات ها ، افراد علمی، و اعضای بلند رتبه گروهی را در برداشت. ((

- این قیام سرکوب شده، مادر ده ها جبهه نظامی ضد روسی در قریه جات مختلف ولایت هرات شد.  
مردم سلحشور هرات با براه انداختن این قیام به روسها و حکومت دست نشانده شان اعلام نمودند که:
- دولت تحت الحمایه فاقد پشتیبانی مردمی در افغانستان بود.
  - اختناق تحمل ناپذیر، دستگیری روحانیون و سایر افراد نامدار محلی بدون هیچ اتهامی کاسه صبر مردم را لبریز ساخته بود.
  - رژیم تحت رهبری حزب دیموکراتیک خلق و فرامین عجولانه آن که بشکل مستبدانه و بزور برچه تطبیق میگردید، برای مردم افغانستان قابل قبول نبودند.
  - مردم حاضر بودند در برابر این رژیم و روس ها با فدا کردن جان های شان مجادله و مقاومت کنند.

روس ها بعضی درس گرفتن ازین قیام و قطع حمایت از حکومت دست نشانده اش، به تعویض مهره و تجاوز نظامی مستقیم به افغانستان دست زدند. بدین ترتیب سلسله کشتار دسته جمعی مردم افغانستان که از کراله، دره صوف و قیام بزرگ هرات آغاز یافته بود، حتی با سقوط رژیم دست نشانده در سال ۱۳۷۱ ختم نشد و شعله های آتش آن هنوز هم خانه و کاشانه روستائیان ما را ویران میکند.



تظاهرات بازماندگان شهدای قتل عام ۲۴ الی ۳۱ حوت هرات، ۱۴ مارچ ۲۰۱۳

صرف نظر از عدم مشروعیت حکومت کودتائی آن زمان، فعالیت دولت تحت رهبری حزب دیموکراتیک خلق در هرات نقض آشکار کنوانسیون های بشر دوستانه ژنیو بوده و بدلائیل ذیل جنایت جنگی تلقی میگردد:

د پانو شمیره: له ۲ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له رالبرلو مخکي په خير و لولي

- اصولاً قیام هرات تظاهرات سراسری مردم هرات علیه رژیم بود. دستگاه دولتی تحت رهبری حزب دیموکراتیک خلق بعوض برخورد عاملانه و دیموکراتیک با تظاهر کنندگان ملکی که اکثریت مطلق شان را دهاقین تشکیل میداد، کوشید تظاهر کنندگان را با رگبار گلوله پراکنده سازد. این حرکت که بذات خود غصب آزادی بیان و اعتراضات بوده و جنایت علیه افراد ملکی است، باعث تحریک خشم مردم شد.

- ادامهٔ اعتراض توسط مردم خشمگین که عمدتاً با چوب و سنگ مجهز بودند، با فیر مرمی های تانک های تی ۶۲، هیلکوپتر های جنگی ام. آی. ۲۴، جت های جنگی میگ ۲۱، میگ ۲۳ و اس. یو. ۲۲ بسوی جمعیت مردم جواب گفته شد. عدم تناسب بین وسایل استفاده شده از طرف دولت (توپ، تانک و طیاره) و سنگ و چوب که مردم بدست داشتند، حاکی از زیاده روی افراطی حکومت در استعمال خشونت علیه مردم ملکی میباشد. ولو چنین بیندازیم که حکومت در آنزمان در حال جنگ قرار داشت، باز هم شیوهٔ سرکوب مردم توسط دولت حالت قتل عام مردم ملکی را داشته و جنایت جنگی میباشد.

- دستگیری وسیع افرادی که فکر می شد در تظاهرات اشتراک کرده اند، دستگیری اعضای خانوادهٔ آنها، شکنجه و قتل بدون محاکمهٔ آنها همه شامل تعریف جنایات جنگ میشوند. افرادی که مظنون به دادن دستور و یا اشتراک در تطبیق این اعمال اند، باید مورد بازپرس و محاکمه قرار بگیرند.

سوال اینجاست که چرا برای التیام زخمهای بازماندگان قیام کنندگان به محاکمهٔ آنانیکه مسؤولیت جنایات ضد بشری هرات را بدوش دارند، پرداخته نمیشود؟ چرا همین اکنون که شهود عینی بیشماری بر علیه افراد مظنون به این جنایات ضد بشری موجود است، اقدامی برای محاکمهٔ آنها، حتی در سطح یک تربیونال مردمی در داخل یا خارج کشور صورت نمیگیرد؟ چرا مسؤولین این کشتارها اجازه دارند با دستهای تا شانه آلوده به خون بیگناهان، در کشورهای غربی موقف پناهنده داشته با معافیت کامل از مجازات زندگی کنند؟

درین رابطه نکات ذیل در خور توجه جدی اند:

- مسؤولیت اساسی فرهنگ معافیت برای همه جانین، که جانین جنگی هم شامل آن میباشد، بدوش دولت کنونی افغانستان است. پارلمان نام نهاد این دولت قانون عفو جانین جنگی را تصویب کرد. دیپلمات ها و وزرای این دولت در سفرهای خود به اروپا کار دیگری جز التماس نزد دول اروپائی برای اعطای اجازه نامهٔ اقامت برای سران رژیم های که مسؤول جنایات سه دههٔ اخیر اند، ندارند. این دولتمردان نمی خواهند لحظه ای هم به جوهای خونی که در هرات و سایر مناطق افغانستان توسط رژیم های سه و نیم دههٔ اخیر ریختانده شده است، فکر کنند.

- یک بخش از این نوع دولتمردان آنانی اند که طی یک دههٔ اخیر در قدرت شریک بوده از "قانون" عفو پشتیبانی کرده اند ولی در عین حال بخاطر اشتراک شان در قیام علیهٔ روسها، مصروف امتیاز خواهی از حکومت و پشتیبانان بین المللی آن میباشدند. این دکانداران خون شهدا را هم متاع قابل معامله میدانند و می خواهند خود را وارث مجاهدین واقعی قلمداد نموده به چوکی های سود آور دولتی دست یابند. اسماعیل خان و شاروال فعلی هرات (تره کی) در رأس این امتیاز طلبان قرار دارند. کار اینها خیانت به خون شهدا بوده و مانع بزرگ در برابر تطبیق عدالت بر جنایات گذشته میباشدند.

- ما بازماندگان قربانیان نیز بخاطر جدی دنبال نکردن خواست ما برای محاکمهٔ جنایات جنگی سه و نیم دههٔ اخیر، به سهم خویش در مسؤولیت تداوم و بقای فضای معافیت برای جانین جنگ شریک هستیم. شهدای هرات توانستند دیروز با عزم راسخ در حالیکه دست های شان خالی بوده و فاقد رهبری سراسری و آگاه بودند، با قیام خود کابل و مسکو را تکان بدهند و پیام خود را ثبت تاریخ افغانستان و جهان بسازند. اگرما بازماندگان آن شهدا ذره ای از عزم راسخ شهدای ما را داشته باشیم، قادر خواهیم شد نام شهدای خود را ثبت تاریخ کشور سازیم. نخستین قدم درین راه مستند سازی شهادت هر فرد و برقراری همکاری متداوم میان بازماندگان شهدا می باشد.

### (کمیتهٔ حقوق بشر فارو)

د پانوی شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
 یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی